

پتال پتال
گفتگو

- گفتگو با دکتر سلیم نیساری / علی دهباشی
- گفتگو با ماه منیر مینوی / مرجان شیرمحمدی

سرانجام پس از مدتها انتظار دیوان حافظ به تصحیح دکتر سلیم نیساری منتشر شد. این چاپ براساس چهل و هشت نسخه خطی سده نهم تدوین شده است. در یک مجلد مشتمل بر دو جلد: جلد اول: غزلهای حافظ. جلد دوم شامل: مقدمه گلندام، پیوستهای غزلهای افزوده‌ها، قصیده‌ها، مثنویها، قطعات و رباعیات است. به مناسبت انتشار این کتاب گفتگویی با دکتر سلیم نیساری انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

علی دهباشی: چگونه به فکر تصحیح دیوان حافظ افتادید؟

دکتر سلیم نیساری: قبلاً لازم می‌دانم از لطف شما که این مصاحبه را به ابتکار خود ترتیب داده‌اید تشکر کنم. دوره مجله کلک و چهار شماره اخیر که با عنوان «بخارا» منتشر کرده‌اید سهم ارزشمندی در معرفی آثار و درج گوشه‌های جالبی از شرح زندگی و فعالیت‌های علمی، ادبی، هنری، و فرهنگی نویسندگان، شاعران، هنرمندان و پژوهشگران داشته است و حالا که بنده را هم در برخورداری از این امتیاز شرکت داده‌اید صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. اما در پاسخ این پرسش که چطور شد به فکر تصحیح دیوان حافظ افتادم باید عرض کنم آقای آقاجانی مدیر انتشارات سینانگار با ملاحظه کتابی که به نام سخن حافظ منتشر شده بود عنوان روی جلد این کتاب را که تاریخ انتشار آن ۱۳۲۷ است در کنار عنوان دیوان حافظ که چاپ آن در اسفند ۱۳۷۷ آغاز شد در مقدمه دیوان آورده‌اند. انسان می‌بیند زمان چقدر سریع می‌گذرد. کسی کتابی پنجاه سال پیش نوشته و حالا کتاب دیگری منتشر می‌کند. بین تاریخ این دو کتاب پنجاه سال عمر سپری شده است. اما منظور از این قرینه‌سازی این نیست که بنده پنجاه سال متوالی برای تدوین دیوان حافظ کار کرده‌ام. در واقع بنده از سال ۱۳۳۳ که بعد از دریافت درجه دکترا Ph. D. از دانشگاه ایندیانا ایالات متحده آمریکا و مراجعت به میهن مأمور تأسیس دانشکده ادبیات شیراز شدم و بعد از انتقال به تهران چند سال در دانشسرای عالی و بعد در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه

تهران تدریس می‌کردم. موضوعاتی که در فاصله ۲۶ سال دانشجویی و استادی تدریس کرده‌ام کلیات زبان‌شناسی در دانشکده ادبیات شیراز و بعد کلیات روش تدریس، روش آموزش زبان، تاریخ فرهنگ ایران، مبانی آموزش و پرورش، فلسفه آموزش و پرورش، و روش تحقیق بود. اشتغال به کار تدوین اشعار حافظ از یک بحث و پیشنهادی در کمیته فرهنگی سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (همکاری میان ایران، ترکیه، و پاکستان) آغاز شد. در یکی از جلسات کمیته فرهنگی در سال ۱۳۴۹ بحث شد که جزوه‌هایی از اشعار شاعرانی مانند امیر خسرو دهلوی که رابط فرهنگ و ادب پارسی بین ایران و شبه قاره هند و پاکستان است، مولانا، سعدی، حافظ، اقبال لاهوری... منتشر بشود. در همان سال ۱۳۴۹ بنده متخبی از غزل‌های امیرخسرو دهلوی تهیه کردم که زیر عنوان برگزیده‌های از غزلها و ترانه‌های امیرخسرو چاپ شد و متعاقب آن برگزیده‌های از غزل‌های سعدی و همچنین برگزیده‌های از غزل‌های حافظ. هر یک از این جزوه‌ها به خط یکی از استادان هنرمند کتابت شد. استاد غلامحسین امیرخانی برگزیده غزل‌های امیرخسرو، استاد ابراهیم زرین قلم برگزیده غزل‌های سعدی و استاد محمد سلحشور برگزیده غزل‌های حافظ را به خط زیبای خود آراستند.

پس از انتشار این جزوه‌ها بعضی از دوستان شعر حافظ از دور و نزدیک اظهار علاقه کردند که خوب است غزل‌های حافظ بدون انتخاب منتشر شود. لذا کتابی با عنوان غزل‌های حافظ به خط استاد محمد سلحشور تکمیل و در سال ۱۳۵۳ انتشار یافت. در همان سالها بود که فکر کردم تجدید چاپ غزل‌های حافظ باید با پشتوانه نسخه‌های خطی قرن نهم انجام پذیرد. سال بعد برای خدمت فرهنگی و آموزشی در کشور ترکیه مأموریت یافتم. مراجعه به کتابخانه‌های آنکارا، استانبول، قونیه فرصت مناسبی بود که نسخه‌های خطی متعددی از دیوان حافظ را در کتابخانه‌ها و موزه‌های ترکیه از نزدیک بررسی کردم و کوشش مستمر و مداوم برای دستیابی به نسخه‌های خطی قرن نهم از همان سال شروع شد. در سال ۱۳۷۱ غزل‌های حافظ براساس ۴۳ نسخه خطی قرن نهم منتشر شد و همان سال از طرف انتشارات بین‌المللی الهدی تجدید چاپ شد. فعالیت در مورد شناسائی و تهیه میکروفیلم یا عکس از نسخه‌های خطی مربوط به قرن نهم از دیوان حافظ را هنوز هم ادامه می‌دهم و دیوان حافظ که شامل همه اشعار حافظ می‌باشد و براساس ۴۸ نسخه خطی قرن نهم تدوین شده است، در همین هفته گذشته منتشر شد.

دهباشی: در غالب مقدمه‌هایی که بر دیوان‌های چاپی حافظ نوشته شده و یا غالب مقالاتی که درباره حافظ به رشته تحریر کشیده شده ملاحظه می‌شود که نویسندگان به این نکته اشاره می‌کنند و این نکته را واقعیتی تصور می‌کنند که حافظ اشعار خود را دستکاری و اصلاح می‌کرده به این جهت اختلاف کلمات و عبارات در اشعار او زیاد به چشم می‌خورد.

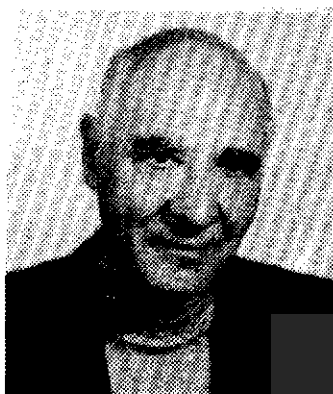
دفتر دیگرسانیا در غزل‌های حافظ

برگرفته از چهل و سه نسخه خطی سده نهم

تظیم
دکتر سلیم نیساری

جلد اول

مقتبل بر دیگرسانیاهاى غزلهاى ردىاى حروف
۱ - ب - ت



● دکتر سلیم نیساری

سؤال من این است که آیا این نکته دست بردن و اصلاح از جانب خود حافظ در اشعار و غزلهایش امری مسلم و محقق است؟ این موضوع را چه کسی حدس زده و چه کسی به اثبات رسانده است؟ چرا امروز مثل یک امر مسلم تلقی و درباره آن سخن گفته می‌شود؟ هر شاعری در شعر خود به اصلاحاتی دست می‌زده چرا حافظ به این امر نامبردار شده است؟ آیا این نکته را نمی‌توان به کسانی نسبت داد که بعد از او به جمع دیوانش پرداخته‌اند؟ و به میل خود کلمات را تعویض یا جابجا یا کلمات دیگری به جای آن ثبت می‌کرده‌اند؟ منظور این است که آیا خود حافظ اینهمه تغییرات را در اشعارش اعمال کرده یا جمع آورندگان بعدی عامل این تغییرات هستند؟

دکتر نیساری: مسأله اصلاح و تغییر کلمات در متن شعر یک امر استثنائی نیست. هر شاعری نه تنها در جریان سرودن شعر بلکه در هر فاصله زمانی پس از آن امکان دارد در سروده خود اصلاحی به عمل آورد. طرح این مسأله در مورد حافظ به این دلیل است که در نسخه‌های خطی دیوان حافظ بیش از دیوان هر شاعر دیگری دیگرسانیاها و تفاوتی دیده می‌شود. نوع این دیگرسانیاها هم متفاوت است. بعضی از آنها اشتباههای عادی کتابت از قبیل افتادگیها و سهواً القلمهاست. بعضی دیگر تأثیر اتکای کاتب به حافظه خودش است به این معنی که بعضی از کاتبها بعد از چند بار استنساخ دیوان حافظ قسمت‌هایی از ابیاتی را از بر داشتند و بجای دقت در

سرمشق خود هنگام کتابت، کلماتی در داخل بعضی از مصراعها را از حفظ می‌نوشتند. بعضی از اشتباهها مانند جانشینی یک کلمه بجای کلمه اصلی و یا تکرار ناصواب یک کلمه در یک مصرع حاصل بی‌توجهی به نسخه اساس و اتکا به حافظه است. گاهی هم کلمه‌ای را به ذوق خود یا برای نزدیک ساختن به فهم عمومی تغییر می‌دادند. نمی‌خواهم با ذکر مثالها وقت شما را بگیرم. فقط برای نمونه در این بیت:

«خال شیرین که بر آن عارض گندمگون است سسز آن دانه که شند رهزن آدم با اوست»
در بعضی از نسخه‌ها «خال مشکین» نوشته‌اند به این سبب که اصطلاحی رایجتر از «خال شیرین» است. گاهی هم اتفاق می‌افتد که کلمه‌ای در متن نسخه اساس ناخوانا یا ساقط بوده و کاتب بجای مراجعه به منابع دیگر با نوشتن کلمه‌ای متناسب به ذوق خود از وقت صرفه‌جویی کرده است. همچنین بعلمت یک رسم غیر اصولی بعضی از کاتبان که تسامح در تکمیل نقطه‌های هر کلمه باشد کاتبی کلمه‌ای را به همان حالت ناقص از نسخه اساس خود منتقل می‌کرده است مانند نوشتن «به شکر خنده لب‌ت گفتم مرادی طلبیم» بجای «مزادی» طلبیم. از توجه به نوع اشتباهها در بعضی از نسخه‌های خطی ضمناً معلوم می‌شود که گاهی کسی متن شعر را می‌خوانده و کاتب بدون رؤیت متن آنچه را که می‌شنیده کتابت کرده است. در یک نسخه دیدم به جای «شرمان باد زپشمینه آلوده خویش» کاتبی نوشته است: «شرمم آن باد...»

در کنار این قبیل تفاوتها و دیگرسانیها (به اصطلاح نسخه بدلها) با تفاوتهایی در متن نسخه‌های خطی مواجه می‌شویم که دو قرائت متفاوت برای یک مصرع وجود دارد در شأن گفته خود حافظ. خیلی بعید است که کاتبی، آن هم به شرط داشتن طبع شعر، وقت صرف کند و متن اصلی شعر حافظ را با فصاحتی متوازن طبع حافظ تغییر بدهد. مثلاً بجای مصرع «همی رویم به شیراز با عنایت بخت» بنویسد: «نسیم زلف تو شد خضر را هم اندر عشق»؛ و یا بجای مصرع «کام از جهان بران که بیخشد خدا گناه» بنویسد:

«کاری کنیم ورنه خجالت برآورم روزی که رخت جان به جهانی دگر کشیم»

همه پژوهندگان دیوان حافظ به این نتیجه رسیده‌اند که عامل این قبیل تغییرات خود حافظ بوده است. در کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ جنبه‌های متفاوت اصلاحات خود شاعر شرح داده شده است.

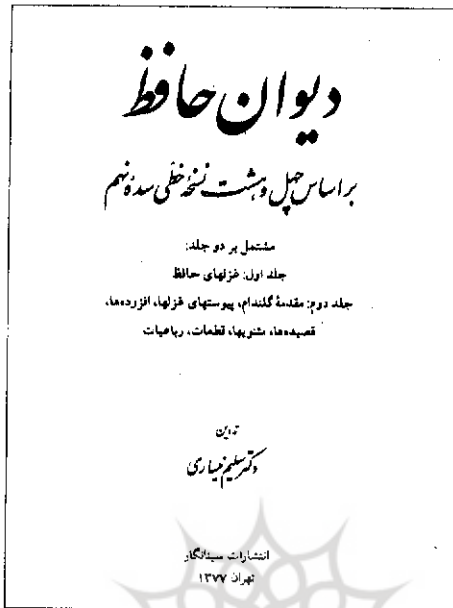
اما اینکه سؤال فرمودید این موضوع تغییر و اصلاح عبارات از جانب خود شاعر را چه کسی حدس زده است؟ پیش از بررسیهای مستقیم در نسخه‌های خطی که خود موجب تقویت این حدس است تا آنجا که به خاطر دارم این مطلب را نخستین بار در کتاب نقشی از حافظ به قلم نویسنده نامدار علی دشتی خواندم و عین عبارت کتاب را برایتان می‌خوانم:

را فقط محض نمونه ذکر کرده‌ایم والا مجموع آنها بسی بیش از اینهاست واضح می‌شود که این نسخه را با وجود اینکه یکی از بهترین نسخ موجوده دیوان حافظ است معذک نمی‌توان آن را بتنهائی اساس هیچ مصحح متقنی قرار داد و نه این نسخه را بخصوصه. بلکه تا آنجا که از سالیان دراز نگارنده این سطور تتبع کرده است هیچ نسخه‌ای از نسخ خطی حافظ را مطلقاً و اصلاً ندیده است که بکلی خالی از اغلاط فاحشه نساخ باشد و آن را با اطمینان قلب بتوان تنها و بانفراده اساس یک طبع مصحح مضبوط بی‌غلط یا کم غلطی قرار داد. بلکه باید همیشه برای این کار چندین نسخه معتبر قدیمی را با هم توأم کرد تا با استعانت مجموع آنها یا اکثریت آنها شاید بتوان نسخه نسبتاً مصححی از دیوان خواجه از آب درآورد و این همین کاری است که ما سعی کرده‌ایم به قدر وسع خود انجام دهیم...»

با توجه به آنچه از مرحوم قزوینی در این سطور نقل شد جناب عالی در صفحه ۴۵ رساله «مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ» نوشته‌اید: «اگر چه مصحح توضیح داده است که چهار نسخه خطی (خ، نخ، ر، ق) را به عنوان نسخه‌های اساس برای طبع خود اختیار کرده است اما با توجه به موارد بسیار قلیلی که به اختلاف سه نسخه (نخ، ر، ق) با نسخه «خ» در زیر صفحات این چاپ (چاپ ۱۳۲۰) اشاره شده است چنین بر می‌آید که مصحح همچنانکه در خصوص کمیت اشعار مصمّم بود منحصرأً نسخه «خ» را ملاک قرار دهنده در مورد متن کلمات نیز همان نسخه، اساس طبع ایشان قرار داشته...». البته این تنها موضعی نیست که جناب عالی نسخه «خ» را اساس طبع مرحوم قزوینی معرفی می‌کنید. این موضوع در صفحات ۶۳ و ۸۰ و ۹۵ و صفحات دیگر آن کتاب تکرار شده است. به هر حال از این تکرار و تأکیدها چنین بر می‌آید که شما عقیده دارید اگرچه مرحوم قزوینی گفته: «هیچ نسخه‌ای را بتنهائی نمی‌توان اساس هیچ طبعی قرار داد» ولی عملاً نسخه اساس کار او همان نسخه «خ» یعنی نسخه خلخال بوده است.

دکتر نیساری: بلی همینطور است. البته منظور علامه قزوینی این بود که هیچ نسخه خطی را عیناً و با حفظ اشتباهات آن نمی‌توان اساس هیچ طبع مصححی قرار داد. به هر صورت با مقایسه ضبط نسخه خطی خ و چاپ علامه قزوینی به این نتیجه می‌رسیم که این نشریه در مقایسه با روشهای متفاوت تدوین، یک چاپ تک نسخه‌ای قلمداد می‌شود براساس نسخه خطی خلخال. اصلاح پاره‌ای از غلطهای فاحش و افتادگیهای کلمات در نسخه خطی اساس و مراجعات مصحح به ضبط نسخه‌های دیگر در شمار محدودی از غزلها و یادداشتهای پراکنده ایشان در پاورقی بعضی از صفحات، در نفس اتصاف این چاپ به عنوان یک چاپ تک نسخه‌ای

و اینک در اسفند ۱۳۷۷ منتشر می‌شود:



هیچ تغییری نمی‌دهد. ضمناً هیچ کلمه و عبارت در متن نسخه خطی خ، که ممکن است قرائتی ضعیف و نامقبول تلقی شود، و آنچه ضبط منحصر به نسخه خطی خ بوده است، و بعضی از اشتباههای نسخه اساس در چاپ قزوینی با استفاده از منابع دیگر به یک قرائت برتر تغییر نیافته است که بتوان چنین اقدامی را استعانت جمیع الجهات از نسخ معتبر و قدیم و یا توأم ساختن چند نسخه با هم تلقی کرد.

متن نسخه خطی خ در سال ۱۳۶۹ به اهتمام آقای شمس‌الدین خلخالی به روش افست چاپ و منتشر شد و هر کسی می‌تواند میزان اختلاف چاپ قزوینی را با این نسخه خطی به سهولت واریسی کند.

دهباشی: حافظ چاپ بنیاد فرهنگ که با کوشش مرحوم دکتر خانلری تهیه شده بر پایه چهارده نسخه خطی کهن بنا گردیده (اولین با تاریخ ۸۰۷ و آخرین با تاریخ ۸۳۶) و امتیاز آن در آن است که اختلاف کلمات و نیز اختلاف توالی ابیات در صفحه مقابل هر غزل ضبط گردیده است. نظیر همین کار را مرحوم مسعود فرزاد در مورد نسخه‌های جدیدتر نیز انجام داده بود. در عین اینکه می‌بینیم و می‌دانیم بسیاری از این نسخه‌ها بدلها گذشته از بی‌فایده بودن غلط آشکار هم هستند و چه بسا موجب سوء تفاهم و سوء تعبیر هم بشوند. فکر می‌کنید این کار برای خوانندگان دیوان حافظ اصولاً فایده‌ای دارد یا نه؟

دکتر نیساری: به نظر بنده علاقه‌مندان به دیوان حافظ را باید در سه گروه متمایز ساخت. گروه اول کسانی هستند که دیوان حافظ را از جنبهٔ دکوراسیون برای تزئین قفسهٔ کتاب یا به منظور هدیه به دوستان در موقعیتهای خاص می‌خرند و بعضی افراد از این دسته تنها به ظاهر چاپ و ارزش مادی آن توجه دارند. این دسته از مردم شاید اصلاً شعر حافظ را هم نمی‌خوانند.

گروه دوم کسانی هستند که شعر حافظ را برای تشفی ذوق و نیاز احساس هنر و زیبایی آن می‌خوانند و متن شسته رفته‌ای را می‌پسندند و نسبت به حواشی و پاورقی و نسخه بدلها بی‌اعتنا هستند.

می‌ماند دستهٔ قلیلی که آنها خودشان هم یا پژوهندهٔ متن اصیل اشعار حافظ هستند و یا از بابت کاوش در دیگر سانیها کنجکاوند و یا معلمان یا دانشجویانی که در مورد این اختلافها کار تحقیقی انجام می‌دهند. پنجاه - شصت سال قبل اختلاف ضبط نسخه‌های دیوان حافظ در پاورقی قید می‌شد. مرحوم فرزند عقیده داشت که اختلاف هر بیت زیر همان بیت درج شود بهتر است. شادروان استاد دکتر خانلری که امر تصحیح دیوان حافظ را براساس ۱۴ نسخهٔ قرن نهم انجام داد اختلاف نسخه‌ها را در صفحهٔ مقابل هر غزل درج کرد - جناب دکتر جلالی نائینی که به اتفاق دکتر نورانی وصال دیوان حافظ را تجدید چاپ کردند اختلاف نسخه‌ها را در آخر کتاب افزودند. بعد از انتشار جلد اول دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ مسألهٔ درج نسخه بدلها حالت خاصی یافته است بخصوص با توجه به این مسألهٔ مهم که در چنین نشریه‌ای نباید مطلقاً نقضی از جهت بدخوانی نسخهٔ خطی، اشتباه در رونویسی یا غلط چاپی رخ داده باشد.

دهباشی: شما در صفحه ۱۳ کتاب دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ مرقوم فرموده‌اید: - در غزل شماره ۲۰۹ همین چاپ آمده است: «سر ز حسرت به در میکده‌ها برگردم». در اصل نسخهٔ خطی اساس (نسخه خ) کلمهٔ اخیر این مصرع «برگردم» است و به همین صورت نیز در معنا صحیح است ولی در چاپ ۱۳۰۶ خلخالی «برگردم» شده است و ظاهراً به علت اینکه متن دیوان حافظ چاپ ۱۳۲۰ را مرحوم زرین خط از روی مجلدی از متن چاپ خلخالی رونویسی کرده است این کلمه نیز بدون تصحیح به صورت «برگردم» در چاپ ۱۳۲۰ تکرار گردیده است.

من معنی این عبارت را که نوشته‌اید: «متن دیوان حافظ چاپ ۱۳۲۰ را مرحوم زرین خط از روی مجلدی از متن چاپ خلخالی رونویسی کرده است.» درست یا اصلاً نفهمیدم! یعنی مصححان (قزوینی و غنی) نسخهٔ دستنویس خودشان را به خوشنویس نداده‌اند؟

دستور خط فارسی

پژوهشی درباره پیوستگی خط فارسی
با زبان فارسی

دکتر سلیم نیساری

بلکه یک مجلد از نسخه چاپی پر از غلط خلخالی را جهت خوشنویسی آخرین مرحله کار خودشان برای زرین خط فرستاده و از او خواسته بودند آن را با خط خوب بنویسد؟
دکتر نیساری: حق با شماست. این عبارت که بنده در صفحه ۱۳ پیشگفتار دفتر دیگوسانیها در غزلهای حافظ نوشته‌ام به خاطر اسقاط یک جمله نارسا شده است. آن جمله که از قلم افتاده این است که بعد از عبارت «مجلدی از متن چاپی خلخالی» می‌بایست افزوده می‌شد: «پس از اصلاحاتی که از بابت تصحیح غلطهای چاپی آن به عمل آمده بود». علت اصلی این فشردگی عبارت مندرج در پیشگفتار دفتر دیگوسانیها این است که بنده همین موضوع را قبلاً در کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ (صفحه ۱۳۴ تا ۱۳۸) به تفصیل توضیح داده بودم. خلاصه‌اش این است که چون در سال ۱۳۱۸ امکانات فتوکپی و زیراکس برای تهیه رونوشت وجود نداشت، هنگامی که علامه قزوینی و دکتر غنی تصمیم گرفتند نسخه خطی خ را به عنوان نسخه اساس به کار ببرند بجای اینکه کسی سر تا سر متن این نسخه خطی را رونویسی کند خواستند از متن چاپ خلخالی بمنزله رونویسی از نسخه خطی خ استفاده کنند. برای این منظور متن چاپ خلخالی را با نسخه خطی مقابله کردند و پس از اصلاحاتی که از بابت تصحیح غلطهای چاپی چاپ ۱۳۰۶ خلخالی به عمل آمد و تنظیم الفبائی ردیف و قافیه غزلهای آن یک مجلد اصلاح شده از چاپ خلخالی را برای خوشنویسی متن دیوان در اختیار مرحوم زرین خط قرار دادند.

دهباشی: ممکن است توضیح بدهید این چاپ جدید از دیوان حافظ به تصحیح شما که در این روزها منتشر شده است چه ویژگی نسبت به چندین متن از دیوان حافظ که بخصوص در سالهای اخیر چاپ شده است در بر دارد؟

دکتر نیساری: چون به سؤال حضرت تعالی باید در هر حال جوابی بدهم همین قدر عرض می‌کنم که این دیوان براساس چهل و هشت نسخه خطی قرن نهم تدوین شده است. مشخصات آن را در پیشگفتار بطور مفصل شرح داده‌ام. یکی دو جمله را برای شما می‌خوانم: «این دیوان با این انگیزه انتشار می‌یابد که در دسترس مخاطبانی قرار گیرد که در کنار هر خصوصیت دیگر به گامهائی که در راه پیراستن متن غزلهای حافظ از رخنه اشتباهها و دیگر سانیهای نارسا و دستکاریهای ناروا برداشته می‌شود اهمیت می‌دهند...».

این یک چاپ مستند مشهود است به این مفهوم که مشخص شده است نه تنها هر کلمه یا عبارت در متن اشعار، و نه تنها تک تک ابیات، بلکه سر تا سر غزل مستند به کدام نسخه یا نسخه‌هاست. اگر در متن چاپی با نسخه پشتوانه اختلافی هست مشخص شده است که آن اختلاف چیست و متن چاپی در آن مورد اختلاف با نسخه پشتوانه به کدام نسخه خطی مستند است.

۵۲

ویژگی دیگر این دیوان مربوط به چگونگی تنظیم و تدوین آن است و تفکیک ۱۷ قصیده از غزلهای و طبقه‌بندی غزلهای در سه گروه متمایز: ۱) غزلهای حافظ، ۲) پیوسته‌ها شامل غزلواره‌ها، تشبیب، تغزل، ۳) افزوده‌ها (غزلهای مشکوک)، و کوشش در کامل بودن دیوان و انضمام متن دقیقی از مقدمه گلندام براساس قدیمترین منابع.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی